

## «تو مگو ما را به آن شه راه نیست... با کریمان کارها دشوار نیست»

شماره پرسش: ۳۰۲۳

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۱/۹/۷ ۰۶:۰۰:۰۰

### متن پرسش

سلام. راستش این دهه محرم من حتی نتوانستم یک بار به امام سلام بدهم یا زیارت عاشورا بخوانم. باور کنید بارها کتاب دعای زیارت عاشورا را باز کرده ام اما خجالت کشیده ام آن را بخوانم و جمله اولش را بگویم و کتاب را بسته ام. باور کنید برای من سخت است حتی نام امام را ببرم و تقریباً هیچوقت اسم ایشان را نمی برم. من نمی توانم با ایشان ارتباط بگیرم اصلاً ما هیچ ربطی به یکدیگر نداریم. آخر نمی شود دیگر! باید یکی شان هر چقدر هم بالا است در حیطه فهم آدم باشد باید بشود یک چیزی گفت یک کاری کرد. اما ما و ایشان هیچ ربطی به هم نداریم هیچ سنخیتی نداریم. اصلاً نمی شود در مورد ایشان صحبت کرد. این امام قمار عشق را پاک پاک باخت. عجب عجب. کربلا جز صحنه ی قمار بازی این مرد نیست. واقعا که پاک باز تر از او نیست، هست؟ باور کنید این روزهای آخر فقط با شنیدن نامش گریه ام می گرفت و دلم می رفت. نمی دانم این ها کار شیطان است ظریف و ظاهراً زیبا؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: به گفته ی مولوی: «تو مگو ما را به آن شه راه نیست... با کریمان کارها دشوار نیست» به لطف الهی توانسته اید در حیرت عظمت امام راهی به سوی او گشوده باشید. موفق باشید